

A Comparative Study on the Possibility of Murder through Magic from the Perspective of Shiite and Sunni Jurisprudence¹

Mohsen Malekafzali Ardakani¹  Seyed Miragha Kazemi² 

1. Full Professor, Department of Law, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
Malekafzali@miu.ac.ir

2. PhD Student, Criminal Law and Criminology, Higher Education Complex of Humanities,
Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding Author).
miragha_kazemi@miu.ac.ir



Abstract

One of the tools used in taking human life is magic. Due to the non-corporeal nature of magic and its hidden impact on causing death, there is a divergence of opinions and varied interpretations among Shiite and Sunni scholars. Some, based on Quranic verses, the Prophetic tradition, and intuitive reasoning, consider magic as a real phenomenon, and consequently, murder resulting from it as possible. On the other hand, others reject the reality of magic, also based on Quranic verses, Prophetic tradition, and intuitive reasoning, and deny the possibility of death caused by magic. The question of this research is whether murder caused by magic is possible. A re-examination of the views of Shiite and Sunni jurists, using a descriptive-analytical approach, concludes that the

1. **Cite this article:** Malekafzali Ardakani, M., & Kazemi, S. M. A. (2025). A Comparative study on the possibility of murder through magic from the perspectives of Shia and Sunni jurisprudence. *Journal of Fiqh*, 31(119), 137-169. <https://doi.org/10.22081/jf.2025.69147.2808>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 23/05/2024 ● **Revised:** 13/10/2024 ● **Accepted:** 05/02/2025 ● **Published online:** 27/02/2025

© The Authors



arguments against the possibility of murder caused by magic are refutable, thereby strengthening and making the claim of murder by magic acceptable.

Keywords

Non-corporeal act, spiritual act, murder by magic, occurrence of magic, establishing Qisas.

بررسی تطبیقی امکان وقوع قتل با سحر از منظر فقه شیعه و اهل سنت*

ID^۱ محسن ملک‌افضلی اردکانی
 ID^۲ سید میرآغا کاظمی

۱. استادتمام، گروه حقوق، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Malekafzali@miu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی،

جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول).

miragha_kazemi@miu.ac.ir

چکیده

یکی از ابزارهایی که در سلب حیات انسان‌ها توسط یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد، افسون ساحران است. با توجه به غیراصابتی بودن سحر و مخفی بودن چگونگی تأثیرگذاری آن در سلب حیات، تضارب آرا و تشتت برداشت فقهای شیعه و اهل تسنن را شاهد است. گروهی، مستند به آیات قرآن، سنت نبوی و دلیل وجدانی، سحر را امر واقعی و در نتیجه قتل ناشی از آن را ممکن می‌دانند. در سوی مقابل، عده‌ای قائل به غیرواقعی بودن سحر هستند. اینها نیز مستند به آیات قرآن، سنت نبوی و دلیل وجدانی قائل به عدم امکان قتل به سحر هستند. پرسش این پژوهش، این است که آیا قتل ناشی از سحر امکان دارد یا خیر. بازخوانش نظریات فقیهان شیعه و اهل تسنن، به شیوه تحلیلی-توصیفی، به این برآیند دست یازیده است که ادله منکران قتل ناشی از سحر، با نقد و رد مواجه بوده و در نتیجه ادعای قتل ناشی از سحر تقویت شده و قابل قبول است.

کلیدواژه‌ها

فعل غیراصابتی، فعل معنوی، قتل به سحر، وقوع سحر، ثبوت قصاص.

* **استاد به این مقاله:** ملک‌افضلی اردکانی، محسن؛ سیدمیرآغا، کاظمی. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی امکان وقوع قتل با سحر از منظر فقه شیعه و اهل سنت. فقه، ۳۱ (۱۱۹)، صص ۱۳۷-۱۶۹.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.69147.2808>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۳ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹



مقدمه

یکی از زوایایی که در مورد سحر نیازمند پردازش و تحلیل است، به کارگیری آن در اعمال مجرمانه از قبیل جنایات علیه نفس، از جمله قتل است. مخفی و مبهم بودن فرایند تصرفات ساحران در عالم خارج، بر فرض پذیرش واقعی بودن سحر، از یک سو، امکان انتساب امور نظیر قتل به ساحر از سوی دیگر، و در سوی سوم، امکان از هاق روح با مطلق افعال غیرمادی، باعث شده است که قتل ناشی از سحر به معرکه آراء فقها و حقوق دانان تبدیل شود؛ زیرا اولاً در این که سحر در عالم واقع حقیقت دارد یا خیر، اگر دارای حقیقت است گستره تأثیر آن تا چه اندازه است، مورد تردید برخی از فقها واقع شده است. لذا اگر کسی به عنوان ساحر، ادعا کرد که با سحر خود کسی را به قتل رسانده است در این که دادگاه اسلامی چه واکنشی باید در قبال این اقرار داشته باشد، تشتت آراء و تعارض برداشت فقیهان شیعه و اهل تسنن را در پی داشته است. شاید بتوان منشأ را در پاسخ به این سؤال کلیدی یافت که آیا سحر به عنوان وسیله می تواند در فهرست وسائل نوعاً کشنده یا حداقل کشنده قرار گیرد یا خیر. به اعتقاد برخی از فقها، سحر از چنین قابلیت بر خوردار است، و در نتیجه، قتل ناشی از سحر را موجب قصاص می داند. اما برخی دیگر که نقش وسیله را مهم ارزیابی می کنند، با این پیش فرض که سحر عاری از حقیقت است به ادعای قتل ناشی از سحر، ارزشی قائل نمی شوند. پژوهش حاضر در صدد امکان سنجی وقوع قتل ناشی از سحر از نگاه فقه فریقین است.

پیشینه پژوهش

این پژوهش بی شباهت با پژوهش های انجام شده در موضوع «قتل ناشی از فعل غیراصابتی نیست»؛ از جمله مقاله «بررسی فقهی و حقوقی قتل با فعل غیرمادی» توسط عبدالامیر نیسی و همکاران که ضمن اشاره به امکان قتل به فعل غیراصابتی به صورت گذرا و بدون پرداختن به ادله، نظرات فقها را مورد اشاره قرار داده است، و مقاله «تأملی نو بر فعل مادی و غیرمادی در قتل» توسط عباس محمدخانی، که به ماهیت فعل

ارتکابی، قطع نظر از نتیجه حاصله و بدون اشاره به دیدگاه فقها پرداخته است، و مقاله «تأثیر فعل غیرمادی در ماهیت قتل عمد» توسط محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی و شهناز روندی که تنها به فعل مادی و غیرمادی پرداخته شده، و نیز مقاله «قتل غیراصابتی در فقه اسلامی و مقررات ایران» توسط جمال بیگی و ادريس آزموده، به انجام رسیده. مقاله اخیر هرچند نسبت به سایر پژوهش‌ها بخش فقه را پررنگ‌تر از بقیه موردبحث قرار داده است، اما اولاً صرفاً به مرور دیدگاه فقها بسنده شده، بدون اشاره به مبانی و ادله دیدگاه‌ها، و ثانیاً عنوان عام فعل غیراصابتی را موردبحث قرار داده است، نه سحر که یک کلیدواژه فقهی است. بنابراین پژوهش‌های یادشده، برای موضوع مفید است اما کافی به نظر نمی‌رسد؛ چراکه هیچ‌یک به صورت تطبیقی و فقهی به صورت خاص، در مورد قتل به سحر نپرداخته‌اند و سؤالی را که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن است پاسخ نداده‌اند. از این رو اثبات امکان و عدم امکان قتل به سحر از منظر فقه، آن هم به صورت تطبیقی، ضروری می‌نماید. فرایند پژوهش حاضر، پس از تبیین مفاهیم، انگاره امکان قتل به سحر و عدم امکان آن و نیز رویکرد حقوق موضوعه را می‌پوید.

تبیین مفاهیم

الف. قتل

واژه «قتل» به معنای رام‌شدن، کشتن، دور کردن و ازاله روح از جسد آمده است (ابوالحسن، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۵۶). به فعل سلب حیات توسط کسی یا چیزی، قتل و به از بین رفتن حیات به صورت خودبه‌خودی موت گفته می‌شود (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵۵). به همین دلیل وقتی به کسی گفته می‌شود «قتله»، معنایش «از هقت روحه» است (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۰؛ مصطفوی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۹۲)؛ لذا «مقاتل انسان» به جاهایی اشاره دارد که وقتی مورد اصابت قرار گیرد باعث مرگ انسان می‌شود (مصطفوی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۹۲) و نیز در معاجم لغت، وقتی لفظ قتل به انسان نسبت داده می‌شود، به معنای سلب حیات انسان توسط خود یا دیگری است (مرادی، ۱۳۹۶، ص ۳۳). بنابراین قتل در اصطلاح فقهی

عبارت است از کشتن و سلب حیات کردن (مصطفوی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۹۲). برخی بزرگان فقه، زدن گردن انسان به وسیله شمشیر را هم معنا با قتل دانسته‌اند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۴۱، ص ۲۳۰؛ اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۰۷). از این رو، می‌توان گفت که قتل ناشی از سحر، همان ازهاق روح مقتول با استفاده از افعال غیراصابتی است که فرایند تأثیرگذاری آن در نظر عموم مردم ناشناخته است.

ب. سحر

سحر با کسر سین و سکون حاء که جمع آن به اسحار و سحور می‌آید (سعدی، ۱۴۰۸، ص ۱۶۸) به معنای حق جلوه‌دادن باطل است (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۸) که از طریق خواندن ورد یا عملی که موجب تأثیر در بدن، قلب یا عقل انسان می‌شود، صورت می‌گیرد (طریحی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۲۵). این فرایند ممکن است با کمک موجودات شریر، نظیر شیطان صورت بگیرد (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۳۵)، اما در اصطلاح شرع به هر چیزی گفته می‌شود که سبب آن پنهان باشد (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۸)؛ لذا خلاصه اقوال معاجم لغت بیانگر این است که سحر در حقیقت به معنای تغییر اشیا با استفاده از خدعه و نیرنگ است (قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲۲)؛ به طوری که سبب آن مخفی باشد و چنان باطل را به صورت حق جلوه دهد که مردم آن را حقیقت پندارند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۶۱۹). در نتیجه گاهی عقل، قلب و اراده و امیال انسان‌ها را متأثر می‌سازد (شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۳۵). مخفی بودن سبب و نحوه تأثیرگذاری سحر از یک سو، انواع و اقسام سحر از سوی دیگر، باعث تشکیک آراء و اختلاف برداشت فقها به ویژه در مورد قتل ناشی از سحر شده است که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. بررسی دیدگاه فقهای امامیه و اهل سنت پیرامون قتل با سحر

۱-۱. دیدگاه فقهای شیعه در مورد امکان و عدم امکان قتل با سحر

آراء فقهای شیعه را می‌توان ذیل دو دسته امکان قتل با سحر و عدم آن دسته‌بندی کرد که در زیر دو نظر فوق را با ادله آن مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱-۱-۱. پیروان امکان وقوع قتل با سحر

مشهور فقهای شیعه سحر را دارای آثار حقیقی می‌دانند (مرعشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۱)؛ بنابراین در صورت اثبات قتل عمدی ناشی از آن، قصاص ثابت می‌شود (مرعشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۷). برخی، قطع نظر از واقعیت داشتن و نداشتن آن، استناد به سحر را درست و در نتیجه قتل ناشی از آن را موجب قصاص می‌دانند (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۴۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۸، ص ۱۹۰؛ کاشانی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۱)، چون این دسته از فقیهان، میان خیالی بودن و حقیقی بودن آن منافاتی قائل نیستند (قمی طباطبائی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۳۲۷). مطابق یک نظر مرحوم شیخ در مبسوط که آن را مطابق مذهب شیعه می‌داند، سحر به عنوان ابزار کشنده در کنار شمشیر و مانند آن پذیرفته شده است (طوسی، ۱۳۷۸ق، ج ۷، ص ۲۶۰). برخی دیگر، نیز منصرف از وهم‌انگاری سحر، بعضی از آثار ناشی از سحر را این‌گونه پذیرفته‌اند: «بله، ممکن است در مواردی بر سحر، امر واقعی مترتب شود، مثل این که ساحر با استفاده از جادو شیء ترسناک را نشان بدهد که باعث ترس فرد مسحور و مرگ یا جنون او شود. مرگ و جنون هرچند امر واقعی است اما سحر نیست، بلکه از آثار سحر است» (روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۳۰۲). بنابراین، همین قدر که سحر تأثیر هرچند خیالی داشته باشد و موجب ترس و وحشت در ذهن افراد شود که در نتیجه آن دچار تکانه‌های عصبی خطرناک شده و جانشان را از دست بدهند، می‌توان به انتساب قتل یقین پیدا کرد. اگر نتوان قتل را به صورت مباشرت اثبات کرد به صورت سببیت می‌توان ثبوت آن را مطمئن نظر قرار داد (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۳۸۵). محقق اردبیلی پس از نقل نظر علامه در عدم پذیرش اقرار به قتل ناشی از سحر، مقدمه‌ارانه این‌گونه بیان می‌دارد: «این دیدگاه قابل تأمل است؛ چراکه گاهی درستی اقرار به قتل ناشی از سحر با قرائن دیگر قابل تأیید است» (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۱۶۸). از این عبارت پیداست که هرچند با صرف اقرار متهم نمی‌توان قتل را ثابت کرد اما می‌توان این اقرار را با سایر قرائن یا گواهی آگاهان به علم سحر به منصفه اثبات رساند (لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۵)؛ چراکه مهم در ثبوت قصاص، واقعی بودن سحر نیست؛ مهم ثبوت رابطه سببیت است. حتی در اسباب غیرمتعارف، نظیر دعا و حسد نیز اگر رابطه ثابت شد می‌توان قصاص را ثابت کرد (لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۶).

۱۴۳
فتا

بررسی تطبیقی امکان وقوع قتل با سحر از منظر فقه شیعه و اهل سنت

بنابراین مشهور فقهای شیعه قتل ناشی از سحر را می‌پذیرند. مستند این گروه از فقیهان در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۱-۱. ادله امکان قتل با سحر

فقیهانی که امکان قتل ناشی از سحر را پذیرفته‌اند منصرف از حقیقی‌پنداشتن آن به ادله زیر استناد جسته‌اند:

۱-۱-۱-۱. دلیل نقلی

الف. آیات

مستند قرآنی قائلان به امکان قتل ناشی از سحر، صدر آیه ۱۰۲ سوره بقره است: «فَيَعْلَمُونَ مِنْهَا مَا يُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَرَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ با این توضیح که مذمت آنان بر فراگیری سحر به هدف جدایی افکندن بین زن و شوهر، دلیل بر تأثیر گذار بودن آن است. در غیر این صورت خدای متعال بر چیزی که واقعیت نداشته مذمت کرده است که این دور از حکمت است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۶). در این آیه به صورت ضمنی تأثیری هرچند در حد جدایی افکندن میان زن و شوهر پذیرفته شده است که تسری آن به اموری مهم‌تر نظیر قتل دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.

ب. روایات

از جمله روایاتی که دلیل بر امکان قتل ناشی از سحر قلمداد شده است، روایاتی است که دلالت بر وقوع این پدیده در عصر حضور نبی مکرم اسلام می‌کند؛ به‌عنوان نمونه روایتی که در ذیل سوره‌های ناس و فلق وارد شده است که علت نزول این سوره‌ها را دفع تلاش یهودیان برای مسحور کردن آن حضرت بیان کرده است (فرات الکوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۲۱)، و خداوند با نزول این سوره‌ها پیامبرش را از نیت شوم آنان با خبر کرده که این خود از جمله معجزات نبوت آن حضرت است (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۳۵). چنان‌که این روایات بیان می‌دارند، دشمنان نبی گرامی اسلام، درصدد بودند که با

استفاده از سحر به آن حضرت آسیب برسانند که خداوند با نزول سوره‌های فوق توطئه آنان را خنثی کرد. اقدام پیشگیرانه خداوند متعال در محافظت از جان رسولش به معنای مضربودن سحر است و الا دلیلی نداشت که خدای متعال سوره نازل کند.

۱-۱-۱-۲. دلیل عقلی

دسته‌ای نظیر مرحوم خوئی و اردبیلی، سحر را عاری از حقیقت می‌دانند. این دسته برای اثبات قتل ناشی از سحر به ادله‌ای نظیر «اقرار العقلاء علی انفسهم جایز» استناد جسته‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۳۸۵)؛ به این بیان که اگر فردی اقرار به قتل ناشی از سحر نماید با توجه به قاعده فوق مورد پیگرد قرار می‌گیرد، قطع نظر از این که سحر حقیقت داشته باشد یا خیر. اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیلی که طرفداران امکان قتل با سحر بیان داشته‌اند شیوع وقوع این پدیده است که در عالم خارج واقع شده است و بالوجدان می‌بینیم (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۶؛ عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۱۴) که از گذشته‌های دور بین عقلا تأثیرگذاری آن پذیرفته شده بوده که همین یکی از دلایل مؤثر بودن هرچند خیالی آن است (لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۶). از این رو وقتی تأثیر هرچند در حد ایجاد خیال و اوهام، برای آن از منظر قرآن و سنت ثابت شد، انتساب امور عینی نظیر قتل بعید به نظر نمی‌رسد. لذا در صورت اقرار متهم یا گواهی آگاهان خبره، می‌توان قتل را ثابت و قاتل را قابل قصاص دانست.

۱-۱-۲. بیروان عدم امکان وقوع قتل با سحر

مرحوم شهید ثانی ضمن واقعی قلمداد کردن سحر، به بسیاری از فقها نسبت می‌دهد که سحر را امر تخیلی می‌پندارند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۱۴)؛ چنان که برخی دیگر از فقها ضمن عاری از حقیقت دانستن سحر، این‌گونه بیان داشته‌اند: «آنچه از مجموع سخنان فقها و آیات قرآن کریم برداشت می‌شود این است که سحر حقیقت ندارد» (قمی طباطبائی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۲۲۳). تعداد دیگری از فقها بیان داشته‌اند که ظاهر، عدم حقیقت سحر است (کاشانی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۱). برخی نیز سحر را همسان با شعبده، تخیل صرف

می‌دانند (مرعشی، ۱۴۱۵ق، ص ۶۱). تعدادی دیگر معتقدند عدم امکان قتل ناشی از سحر، مبتنی بر نظریه کسانی است که سحر را امر پنداری و غیرواقعی می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۳۳)؛ چه این که سحر که امری است پنداری، نمی‌تواند اموری واقعی، نظیر قتل را در پی داشته باشد. لذا حتی اگر کسی ادعای به قتل رساندن کسی را با استفاده از سحر کند، باز هم نمی‌توان چنین ادعایی را پذیرفت؛ چنان که از علامه حلی نقل شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۳۳). محقق حلی نیز پس از نقل نظر شیخ و قریب دانستن آن این گونه بیان می‌دارد: «اگر مقتول را سحر کنند، در نتیجه فوت شود، قصاص و دیه‌ای ثابت نمی‌شود» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۸۲)؛ بنابراین چه از طریق فهمیده شود که کسی به وسیله سحر به قتل رسیده، چه خود ساحر اقرار به قتل نماید، قصاص و دیه، هیچ کدام لازم نیست؛ زیرا سحر حقیقت ندارد. این اقرار مثل این است که کسی اقرار به قتل کسی با نگاه کردن کند؛ هم چنان که این اقرار تأثیری ندارد؛ اقرار به قتل ناشی از سحر هم چیزی را اثبات نمی‌کند. در پاسخ به پرسش الزام کردن فردی که اقرار به قتل ناشی از سحر کرده است، می‌گوییم که اصل برائت ذمه است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۰) و با صرف چنین اقراری نمی‌توان انتساب قتل را پذیرفت. این دسته از فقها که تعداد کمتری از فقها و در واقع مخالفان مشهور هستند، عقیده عدم امکان قتل ناشی از سحر را بر روی نظریه وهم‌انگاری سحر بنا نهاده و بر درستی اعتقادشان به ادله زیر تمسک جسته‌اند:

۱-۱-۲-۱. ادله عدم امکان قتل با سحر

الف. آیات

استناد این دسته از فقها به آیاتی نظیر آیه «وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره، ۱۰۲) است (طوسی، ۱۳۷۸ق، ج ۷، ص ۲۶۰). وجه استدلال این است که آیه فرموده است جادوگران نمی‌توانند با جادو آسیبی به کسی برسانند، مگر با اذن خداوند، و محال است که خداوند در امور قبیحه اذن بدهد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۶). در نتیجه قتل یک انسان که از شدیدترین امور قبیحه است مأذون خدای تعالی نخواهد بود. دومین آیه‌ای

که مستند منکران حقیقت سحر واقع شده است آیه «يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى» (طه، ۶۶) است. مرحوم شیخ طوسی برای نفی حقیقت سحر به این آیه استناد جسته است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۸)؛ به این بیان که در این آیه صرف تخیل به سحر نسبت داده شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۶) و همین، همسان با عاری بودن سحر از حقیقت پنداشته شده است؛ زیرا نهایت تأثیری که سحر دارد نوعی ایجاد وهم و خیال در افراد بوده است، و وهم و خیال نیز نمی‌تواند انسانی را بکشد. برخی دیگر نیز ادعای وهم‌انگاری سحر را به آیه ۶۴ سوره طه استناد داده‌اند که فرموده است: «فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ» (قمی طباطبائی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۲۲۳). در اینجا خداوند سحر ساحران فرعون را به معنای خدعه و نیرنگ گرفته است و چنان‌که پیداست خدعه یعنی امر وهمی و غیرحقیقی و چیزی که حقیقت ندارد، نمی‌تواند منشأ اثر در عالم خارج باشد.

ب. روایات

از جمله ادله استنادی بر نفی حقیقت سحر و در نتیجه عدم امکان وقوع قتل ناشی از آن، روایت طبرسی از امام صادق علیه السلام در احتجاج است که از امام پرسید: «أَفَيَقْدِرُ السَّاحِرُ أَنْ يَجْعَلَ الْإِنْسَانَ بِسِحْرِهِ فِي صُورَةِ الْكَلْبِ أَوْ الْحِمَارِ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ قَالَ هُوَ أَعْجَزُ مِنْ ذَلِكَ وَأَضْعَفُ مِنْ أَنْ يُعَيَّرَ خَلْقَ اللَّهِ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۴۰)؛ آیا ساحر می‌تواند با سحر خود انسان را به شکل سگ و الاغ درآورد؟ امام فرمود: «ساحر ناتوان‌تر و ضعیف‌تر از آن است که بتواند در خلقت خداوند تغییری ایجاد کند.» وفق این روایت، امام علیه السلام ساحر را دارای هیچ قدرتی نمی‌داند. لذا نمی‌توان قتل و امثال آن را به سحر مستند کرد.

۱-۳. ارزیابی ادله طرفین

ارزش‌گذاری ادله پیروان امکان، ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که اثبات قتل ناشی از سحر مستند به آن امکان‌پذیر است؛ زیرا مخالفان دستشان در مصاف به این ادله خالی است و نقد قابل‌ذکری وارد نکرده‌اند. فقط نسبت به دلیل عقلی اقرار العقلاء علی

انفهم ممکن است این نقد وارد شود که در صورت تعارض این قاعده با قاعده «ادراء الحدود»، امکان قصاص فرد جاودگر وجود ندارد، چه این که اقرار به عملی که نحوه تأثیرگذاری آن نسبت به مقتول معلوم نیست و از سوی دیگر امکان صحت سنجی آن از طریق بینه و قرائن علمی نیز وجود ندارد، باعث شبهه شده و مورد جریان قاعده درأ است. اما می‌توان پاسخ داد که علی‌رغم اطلاق واژه الحدود، از آنجا که این قاعده خلاف اصل است باید به قدر متیقن که همان حدود به معنای خاص است اکتفا کرد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۲۵۷). لذا می‌توان نتیجه گرفت که قاعده درأ در مورد قصاص جاری نمی‌شود (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۸، ص ۹۴). مؤید بر این استدلال این است که حق الناس وارد بر قاعده درأ است و گستره شمول آن را محدود می‌کند. مواردی نظیر عدم جواز تخفیف قائل شدن قاضی نسبت به حق الناس (طوسی، ۱۳۷۸ق، ج ۸، ص ۱۶۳)، پذیرش شهادت بر شهادت در آن (خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۲، ص ۴۸۰) و نیز عدم جواز حق عفو حاکم (فاضل‌هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۴۲۱) و جواز صدور حکم غیابی در حق الناس (خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۲، ص ۴۴۳) می‌تواند به‌عنوان شاهد این مدعا باشد.

اما ادله پیروان عدم امکان با نقدهای ذیل مواجه است: استدلال به آیه ۱۰۲ بقره با این نقد مواجه است که همیشه نفی ضرر مساوی با نفی تأثیر نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۶)؛ بدین معنا که در آیه، نفی تکوینی نیست، یعنی خداوند در عالم تکوین ضرر را از سحر نفی نکرده است، بلکه خداوند اذن تشریحی در استفاده از سحر را نداده است و چنان که فقها در مورد قاعده نفی ضرر بیان داشته‌اند، منظور از نفی ضرر، نفی حکم ضرری است (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۶۰)، نه نفی وجود ضرر در عالم خارج. نقدی که بر استدلال به آیه ۶۶ سوره طه می‌توان گفت این است که عالم خیال عمیق عمیق و گستره وسیعی دارد که بسیاری از افعال انسان نتیجه ادراکات وهمی و خیالی است؛ چرا که خیال صرفاً خازن نیست، بلکه چنان که از ملاصدرا در برخی موارد نقل شده است، مدرک است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴، صص ۲۴۲-۲۴۵). در تحقیقات روان‌شناسی و فلسفی نیز ثابت شده است که تخیل می‌تواند در افعال آینده انسان اثر بگذارد (Garry&Polaschek, 2000: 7). وهم نیز در کنار خیال از قوه‌های ادراکی است که در افعال

حیوانی انسان منشأ اثر است (صدرالدین شیرازی، بی تا، ص ۲۳۴). بنابراین جادوگران می‌توانند با تصرف در دو قوه خیال و وهم افراد، آنان را دچار شوک‌های عصبی خطرناک کنند که باعث سگته‌های کشنده یا وادار به اعمالی کشنده از قبیل سقوط از بلندی نمایند که مرگ آن‌ها را در پی داشته باشد. معطوف به همین، بزرگانی دیگر نظیر خوئی فرموده‌اند همین مقدار تأثیر، برای انتساب قتل کافی است؛ چرا که اگر با سحر این ذهنیت را بر فردی ایجاد کنند که حیوان درنده‌ای بر او حمله می‌کند و او از ترس بمیرد، ساحر قصاص می‌شود (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۸). آقای خوئی قصاص را در هر دو صورت، چه سحر کشنده باشد یا نباشد، اما قصد قتل کرده باشد، ثابت می‌داند (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۸). اشکالی که به استدلال به آیه ۶۴ طه می‌توان کرد این است: چنان که اشاره شد اگر بتوان نقش ساحر را در ایجاد توهمات دهشت‌بار ثابت کرد، به‌عنوان نمونه در عالم خیال مسحور تصویر آب خروشان را ایجاد کند و او برای نجات از غرق شدن در آب، خودش را از بلندی پرت کند و بمیرد - چنان که برخی منکران واقعیت سحر، این اندازه توانایی ساحر را می‌پذیرند (قمی طباطبائی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۳۲۷) - برای اثبات رابطه سببیت کافی به نظر می‌رسد؛ زیرا هیچ ارتباط بایسته‌ای بین امکان قتل و واقعیت داشتن سحر نیست.

اما به نظر می‌رسد که استدلال به روایت طبرسی، با اشکالات سندی و دلالتی مواجه است. از نظر سندی روایت مرسله است (روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۳۲). دلالت آن نیز اعم از مدعا است؛ زیرا احتمال دارد که منظور امام علیه السلام قدرت مستقل ساحر بوده باشد، یا مراد امام علیه السلام نفی قدرت اعلی، نظیر قدرت خداوند بوده است؛ چنان که تغییر خلقت انسان به حیوان در متن روایت، مؤید آن است و این منافات ندارد که ساحر با اذن خداوند بتواند تصرفاتی را در خلقت انجام دهد؛ چنان که صریح قرآن است که خداوند ایجاد عداوت بین زن و شوهر، و در نتیجه جدایی آن‌ها را ثابت می‌داند. مؤید بر این ادعا، ذیل روایت است که امام علیه السلام سحر را نظیر پزشکی و سخن چینی می‌داند؛ چنان که فرد سخن چین و پزشک قدرت مطلق ندارند، اما به صورت محدود می‌توانند در ایجاد عداوت و معالجه امراض نقش ایفا کنند، و سحر نیز چنین است. با توجه به آنچه گفته

شد، استدلال منکران قتل ناشی از سحر، یارای مقاومت در برابر استدلال موافقان را ندارد. از اینرو، می‌توان به این نتیجه رسید که قتل ناشی از سحر از منظر فقهای شیعه ممکن به نظر می‌رسد.

۲-۱. دیدگاه فقهای اهل تسنن در مورد امکان و عدم امکان قتل به سحر

می‌توان نظریات فقهای اهل تسنن را ضمن دو قول مورد بررسی قرار داد:

۱-۲-۱. پیروان امکان وقوع قتل با سحر

بسیاری از فقهای اهل تسنن و به‌طور مشخص شافعی، ابوحنیفه و مالک و بسیاری از متکلمان غیر معتزله، سحر و جادو را دارای حقیقت می‌دانند (المواردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، ص ۹۳) و نیز ابن قدامه (ابن قدامة المقدسی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۸)، نووی (النووی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۴، ص ۱۷۴) و الصابونی (الصابونی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۸۶). فخر رازی ضمن بحث از اقسام سحر این‌گونه بیان می‌دارد: «اهل تسنن جایز می‌دانند که ساحر توانایی پرواز در هوا و تبدیل کردن انسان به الاغ و بالعکس را دارد» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۶۲۶). طبری نیز نزدیک به همین عبارت را از برخی قائلان به حقیقت سحر نقل می‌کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۶۷). پذیرش این گستره از تأثیرگذاری سحر در عالم خارج می‌تواند اموری نظیر قتل را نیز شامل شود. صاحب روح المعانی حقیقت داشتن سحر را به جمهور اهل تسنن نسبت داده و این‌گونه بیان داشته است: «جمهور علما حقیقت داشتن سحر را می‌پذیرند و این توانایی را برای ساحر ممکن می‌دانند که بتواند پرواز کند یا روی آب برود و انسانی را بکشد، یا تبدیل به الاغ کند» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۳۸). چنان‌که پیداست، در این فراز از عبارت آلوسی، که منتسب به جمهور اهل تسنن شده است توانایی‌های ویژه، از قبیل پرواز و کشتن انسان و تبدیل انسان به الاغ، پذیرفته شده است. همو در جایی دیگر قولی را در مورد وجوب تعلّم سحر بر فقیه، از بعضی نقل می‌کند؛ مستند به این استدلال که بتواند تشخیص دهد کجا قصاص می‌شود و در کجا نه (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۳۸). قرطبی نیز ضمن رد ادله منکران واقعی بودن سحر، این‌گونه بیان می‌دارد: «علمای اهل تسنن معتقدند

که انجام امور خارق‌العاده به دست ساحر از قبیل ایجاد مرض، جدایی بین زن و شوهر و زوال عقل و تغییر شکل اعضای بدن، بعید نیست، بلکه کاملاً شناخته شده است» (القرطبی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۶).

برخی علما نیز قائل به تفکیک شده‌اند. لذا مستند به آیات ۶۶ سوره طه و ۱۰۲ سوره بقره، بعضی از انواع سحر را غیر واقعی و تعدادی دیگر را دارای حقیقت می‌دانند (العینی، بی تا، ج ۲۱، ص ۲۷۹). بعضی از فقها بدون تفکیک بین نوعاً کشنده بودن و نبودن سحر، این گونه بیان داشته‌اند: «اگر ساحر اقرار به قتل کسی به وسیله سحر کند کشته می‌شود» (ابن‌الحاجب، ۱۴۲۱ق، ص ۴۸۹). چنان که پیدا است، این گروه از فقها، هیچ تفکیکی میان کشنده بودن و نبودن و واقعی بودن و نبودن سحر نکرده‌اند و صرف اقرار به قتل ناشی از سحر را موجب قصاص می‌دانند. برخی از فقها نظیر شافعی بر فرض اعتراف ساحر به کشنده بودن سحر، رابطه قتل را ثابت دانسته و این گونه بیان می‌دارد: «اگر ساحر اقرار نماید که عمل (سحر) من به طور معمول کشنده است و من با این عمل، قصد قتل او را کرده بودم و او را به قتل رساندم، به عنوان قصاص کشته می‌شود» (الشافعی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۹۳؛ المزنی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۶۲). وفق این، ملاک در استناد قتل و ثبوت قصاص یا دیه، اعتراف ساحر است. اگر اعتراف به کشنده بودن و عمدی بودن کرد، قصاص ثابت است. اگر ساحر اقرار به قتل کند، اما قصد کشتن نداشته، قتل خطا محسوب می‌شود و باید دیه پرداخت کند. برخی از فقها این سخن شافعی را مورد انتقاد قرار داده‌اند؛ با این توضیح که معنا ندارد؛ وقتی شخصی اقرار می‌کند که این فرد در نتیجه کار من کشته شده است، باید قصاص شود؛ چه قصد قتل کرده باشد یا نه (الجصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۶۷). بسیاری از فقها در صورتی قتل عمدی با استفاده از سحر را می‌پذیرند که به گواهی گواهان یا به اقرار ساحر، نوعاً کشنده بودن سحر اثبات شود و الا قتل شبه عمد ثابت می‌شود (الشوکانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۲۰۹). برخی با انتساب پذیرش کشنده بودن سحر به جمهور اهل تسنن، طریق اثبات آن را مورد اختلاف می‌دانند: مالکیه گفته است که با اقرار و بینه ثابت می‌شود، و شافعی فقط اقرار را وسیله اثبات می‌دانند (مجموعه من المؤلفین، ج ۲۴، ص ۲۶۸)؛ و نیز بسیاری تصریح کرده‌اند که اگر ساحر کسی را با سحر نوعاً کشنده بکشد، از باب

۱۵۱
فتا

بررسی تطبیقی امکان وقوع قتل با سحر از منظر فقه شیعه و اهل سنت

قصاص کشته می شود؛ مثل ابن قدامه، نووی، صاحب شرح مغنی و ابن حجر (الشنقیطی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۱۶۱). بنابراین می توان به این برآیند دست یازید که بسیاری از بزرگان سلف اهل تسنن در صورت استناد قتل به سحر، ساحر را مستحق قصاص می دانند.

۱-۲-۱. ادله امکان قتل با سحر

الف. آیات

نخستین دلیل، آیه ۱۱۶ سوره اعراف است: «سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرَوْهُم بِوَجْهِهِمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَزِيمٍ»؛ ساحران فرعون چشمان مردم را سحر کردند که در نتیجه، آنان ریسمانها را به شکل مارهای در حال حرکت دیدند. دیدن ریسمان به شکل مار و ترسیدن از آن، نتیجه تأثیرگذاری سحر پنداشته شده است. همین واقعه، دلیل بر وقوع سحر و تأثیرگذاری آن در عالم خارج است و در نتیجه امکان انتساب امور عینی نظیر قتل به آن وجود دارد و نیز آیه «فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَرَوْحِهِ» (بقره، ۱۰۲) که از چند جهت بر حقیقت داشتن سحر، بدان استدلال شده است: نخست خداوند خبر داده است که سحر آموخته می شود و فراگیرنده آن کافر می شود؛ دوم اینکه با استفاده از آن میان همسران جدایی افکنده می شود و این صفات، برای چیزی است که حقیقت دارد (النووی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۴، ص ۱۷۴)، و نیز این بخش از آیه فوق: «وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا يَأْذِنُ اللَّهُ» (بقره، ۱۰۲)؛ چنان که پیدا است در این آیه تأثیرگذاری زبان بار ساحران با اذن خداوند استثنا شده است و این به معنای مؤثر بودن هر چند مشروط سحر به اذن خداوند است. پرواضح است که وجود اثر، دلیل بر وجود مؤثر است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۶۲۱)؛ از این رو، تفکیک گذاری میان آثار سحر نیازمند دلیل خاص است که چنین دلیلی وجود ندارد. بنابراین از آیات قرآن، تأثیرگذاری سحر نسبت به ایجاد پدیده های واقعی از جمله قتل ممکن به نظر می رسد. مگر اینکه مخالفان دلیلی صریح بر نفی چنین اثری داشته باشد؛ همچنین آیه «وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ» (فلق، ۴)، با این تبیین که اگر سحر حقیقت نمی داشت و منشأ اثر در عالم خارج نمی بود، خداوند متعال امر به استعاذه نسبت به آن نمی کرد (الموردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، ص ۹۴؛ ابن مفلح، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۴۹۴)؛ چرا که مراد از

نفاثات را چنان که اکثر مفسران تفسیر کرده‌اند (عواد المعتقد، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۲) زنان ساحره است که در گره‌ها را افسون می‌کردند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۲۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۶۹۰). لذا پناه‌بردن به خدای متعال از شر سحر ساحران بدین معنا است که آنان می‌توانند تصرفاتی در عالم خارج انجام دهند و هم‌چنان که در آیه، قیدی نسبت به نوع تصرفات آنان نیامده است، هر نوع تصرفی، از جمله قتل دور از گستره شمول آیه به نظر نمی‌رسد. مؤید بر این استدلال، کنار هم قرار گرفتن واژه «نفاثات» با حسد است؛ هم‌چنان که حسد می‌تواند تأثیر پنهانی در بدن محسود داشته باشد، سحر ساحر نیز چنین است (الشنقیطی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۱۶۲). مضاف بر ادله فوق، به اعتقاد بسیاری از علما، شأن نزول دو سوره ناس و فلق، سحر لیبید بن أعصم یهودی نسبت به شخص پیامبر ﷺ بوده است (عواد المعتقد، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۲) که این خود دلیلی است بر وقوع و تأثیرگذاری سحر در عالم خارج. برخی از طرفداران حقیقت سحر، از طریق تنظیر سحر با چشم‌زخم، در صدد اثبات آن برآمده‌اند، بدین توضیح که هم‌چنان که در عالم خارج تأثیرگذاری چشم‌زخم نزد عقلا مسلم است، تأثیر برخی افراد از طریق نفس‌های قوی استبعادی ندارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۶۲۳).

ب. روایات

از روایات، روایتی است که بخاری از عائشه نقل کرده است: «سحر رسول ﷺ رجل من بنی زریق یقال له لیبید بن الأعصم حتی کان رسول الله ﷺ یخیل إليه أنه فعل الشیء وما فعله» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۱۶۳). این روایت از نظر سندی صحیح است (النووی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۴، ص ۱۷۷)، و دلالت آن نیز صریح در تأثیرگذاری سحر است؛ چرا که باعث تغییر عادت و رفتار پیامبر ﷺ شده است. البته در این روایت دلیلی بر این که سحر می‌تواند باعث قتل شود وجود ندارد، مگر این که بگوییم این تأثیر حداقلی نشانه‌ای بر تأثیرگذاری حداکثری است و نیز بپذیریم که سحر می‌تواند با ایجاد تغییر در عادات فرد مثل دگرگون کردن میل و اشتیهای فرد باعث شود به صورت تدریجی از گرسنگی بمیرد. چنین برداشتی از متن حدیث، ممکن به نظر می‌رسد و نیز روایتی که بخاری از ابی‌هریره

از پیامبر ﷺ نقل کرده است: «قال: اجتنبوا السبع الموبقات قالوا يا رسول الله وما هن؟ قال: الشرك بالله، والسحر» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۰). این روایت که از نظر سند قابل اعتنا است، از نظر دلالت نیز قابل پذیرش به نظر می‌رسد؛ چرا که پیامبر ﷺ از هفت چیز انسان را بر حذر داشته و سحر را از جمله آنها قرار داده است و این به معنای حقیقت‌داشتن و مؤثر بودن آن است (عواد المعتقد، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۲).

۱-۲-۲. پیروان عدم‌امکان وقوع قتل با سحر

متکلمان معتزله، مغربی از اهل ظاهر (الموردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، ص ۹۲) و ابوجعفر استرآبادی از شافعی‌ها، سحر را تخیل صرف می‌دانند (الموردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، ص ۹۲؛ ابن‌قدمه المقدسی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۵۹). زمخشری نیز در تفسیر آیه ۴ سوره فلق بیان کرده است که سحر حقیقت ندارد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۸۲۱) و در ذیل آیه ۱۰۲ سوره بقره، جدایی بین زن و شوهر را نتیجه نیرنگ و حق جلوه‌دادن باطل می‌داند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۷۳). چنان‌که پیداست، از نظر این عالم بزرگ، سحر عاری از حقیقت است؛ فقط ممکن است گاهی خداوند همزمان با افسون افسون‌گران و قایعی را ایجاد کند، اما خود سحر مثل تأثیر برندگی چاقو یا سوزندگی آتش نیست که همواره بتواند در شرایط عادی تأثیرگذاری خودش را داشته باشد. از همین رو، به بزرگانی چون ابوحنیفه، مالک و احمد نسبت داده شده است که اگر استناد قتل به ساحر ثابت شود کشته نمی‌شود، مگر در صورت تکرار و عادت کردن ساحر یا اقرار ساحر یا گواهی دو شخص آگاه که در این صورت از باب حد کشته می‌شود (الزاملی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۲۱۷). این بدان معنا است که قتل ناشی از سحر، موجب قصاص نیست؛ شاید به این دلیل که آلت قتاله نزد امثال ابوحنیفه، اسلحه است، و آنچه که عادتاً جایگزین سلاح می‌شود (مجموعه من المؤلفین، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴). از قاضی عبدالجبار نیز می‌توان به‌عنوان یکی از منکران حقیقت‌داشتن سحر (القاضی عبدالجبار، بی‌تا، ص ۱۰۱) و عدم‌انتساب اموری بسان قتل بدان نام برد. ماتریدی از دیگر عالمانی است که سحر را بسان کذب عاری از حقیقت و همسان با تشبیه و تخیل می‌داند (الماتریدی، بی‌تا، ص ۲۰۹). ابن‌حزم نیز ذیل آیه شریفه ۶۶

طه، سحر را عاری از حقیقت می‌داند (ابن حزم، بی‌تا، ج ۱، ص ۵). بنابراین در سوی مقابل، گروهی از فقها قرار دارند که سحر را تخیلی، غیر واقعی و قتل ناشی از آن را غیرممکن می‌دانند. مستند این گروه از فقها همراه با نقد آن در زیر پوییده می‌شود:

۱-۲-۲-۱. ادله قائلان به عدم امکان قتل ناشی از سحر

۱-۲-۲-۱. ادله نقلی

الف. آیات

مستند استدلال این گروه از فقها آیه ۶۶ سوره طه است. اینان معتقدند که ساحران داخل ریسمان‌ها جیوه گذاشته‌اند و با تابش خورشید به شکل مارهای زنده به حرکت درآمده‌اند؛ در نتیجه ناظران خیال کردند که آن‌ها مارهای واقعی هستند، در حالی که چنین نبود. به عبارت دیگر، این صرفاً خطای دید ناظران بود؛ چنان‌که در زندگی روزمره، بسیاری از این نوع خطاهای دید را شاهد هستیم. بنابراین آنچه ساحران به نمایش گذاشتند، اموری از قبیل خطای دید بود. دلیل دیگری که مورد استدلال منکران حقیقت سحر واقع شده است، آیه ۱۱۶ سوره اعراف است: «فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ»؛ هنگامی که ساحران ریسمان‌هایشان را افکندند، چشمان مردم را افسون کردند. نحوه استدلال این‌گونه است که اگر سحر واقعی بود، باید قلوب مردم را سحر می‌کردند نه چشمان آنها را (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۳۵)؛ بدین علت، نمی‌توان امکان قتل ناشی از سحر را نتیجه گرفت.

ب. روایات

برخی، برای تأیید استدلال به آیات فوق به‌عنوان مؤید، روایتی را ذکر کرده‌اند که در ذیل آیه ۱۱۶ اعراف از ابن عباس نقل شده است: «انه خیل الی موسی عليه السلام ان حبالهم وعصیهم حیات مثل عصا موسی فأوحی الله عز وجل الیه ان أَلْتِي عَصَاكَ» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۳۵)؛ یعنی ساحران صرف تخیل ماربودن را ایجاد کردند نه چیزی بیشتر. پس توانایی ساحران منحصر در ایجاد تخیلات است که نمی‌تواند منشأ اثر در عالم خارج

باشد. از این رو، بر اساس این روایت، ساحران توانایی ایجاد هیچ نوع اثر واقعی در عالم خارج را ندارند. قتل نیز از جمله امور واقعی است و با سحر که قلمرو آن صرفاً در عالم خیال محدود می‌شود امکان وقوع ندارد.

۱-۲-۲-۲. ادله عقلی

دلیل دیگری که بر عدم امکان وقوع قتل ناشی از سحر اقامه شده، این است که اگر سحر حقیقت داشته باشد و ساحر بتواند با سحر خود کسی را به قتل برساند، یعنی این توانایی را دارد که جان بدهد و جان بستاند. در این صورت، چه فرقی بین معجزات انبیا و این امور غیرطبیعی باقی می‌ماند؟ از کجا باید فهمید که کدام شخص نبی و راستگو است و کدام ساحر و شیاد؟ کدام مأمور الهی است و کدام در خدمت شیطان و هوای نفس؟ بنابراین با پذیرش حقیقت داشتن سحر، خط بطلان بر تمام اصول شرایع و ادیان توحیدی کشیده می‌شود که پذیرش چنین پیامدهایی بر طرفداران امکان انتساب قتل به سحر، بسیار گران تمام خواهد شد. در نتیجه برای گرفتار نشدن در چنین محظوری، باید پذیرفت که سحر عاری از هرگونه حقیقت است و اعمال ساحران صرفاً ایحاد تخیل است (الموردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، صص ۹۴-۹۳)؛ لذا نمی‌توان پذیرفت که اموری مثل قتل در نتیجه امر تخیلی مثل سحر، امکان وقوع پیدا کرده است. دلیلی دیگری که منکران حقیقت داشتن سحر مستمسک قرار داده‌اند وجدانی است؛ به این بیان که اگر ساحران قدرت تأثیر گذاری بر عالم خارج را داشتند باید می‌توانستند از طریق تصرف در عالم تکوین و انقلاب ماهیت اشیا، به نان و نوایی برسند؛ مثلاً بتوانند فلزات کم‌ارزشی مثل نقره و برنز را تبدیل به طلا کنند تا برای تحصیل اموال کم‌ارزش اینقدر تقلا نکنند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۶۲۰) و چون چنین توانایی‌ای ندارند می‌توان گفت که سحر عاری از حقیقت و فاقد هر نوع تأثیر گذاری در عالم خارج است.

۱-۲-۳. ارزیابی ادله طرفین

آیات مورد استناد پیروان امکان قتل ناشی از سحر، با نقد قابل ذکری مواجه نیست.

تنها با این نقد کلی مواجه است که در هیچ‌یک از آیات مورد استدلال، اشاره‌ای به قتل ناشی از سحر به صورت خاص نشده است. اما چنان که گذشت، با امکان اثبات تأثیرگذاری سحر، دلیلی بر محدود کردن گستره آن وجود ندارد. روایت دوم موافقان، با نقدهای ذیل مواجه است: نخست این که از نظر سندی با اشکال عدم تصریح به صحت از سوی بزرگان مواجه است و دوم از نظر مفهومی با این اشکال مواجه است که بر حذر داشتن از اشیاء هفت‌گانه که سحر نیز یکی از آنان شمرده شده، همسان بر حقیقت داشتن و مؤثر بودن آنها نیست. هم‌چنان که شریک داشتن خدای متعال حقیقت ندارد، سحر نیز از حقیقت عاری است. اما کمی تدقیق در محتوای روایت نشان می‌دهد که نقد فوق خالی از دقت کافی است؛ چرا که از نظر سندی، بخاری آن را به‌عنوان روایت قابل اعتنا ذکر کرده، و از نظر دلالت هر چند شریکی در عالم خارج برای خدای متعال قابل تصور نیست، ولی پدیده شرک امری واقعی است که از بدو خلقت بشر در زمین، بوده است و سحر نیز چنین است. گذشته از این، وحدت سیاق که سحر و چشم‌زخم و امثال آن کنار هم در روایت فوق ذکر شده است، بیانگر واقعی بودن همه آنها است. بنابراین ادله قائلان به امکان قتل ناشی از سحر با نقد قابل اعتنایی مواجه نبوده و قتل ناشی از سحر مورد پذیرش است؛ چرا که ادله مخالفان از تیغ نقد جان سالم در نخواهد برد.

نسبت به ارزیابی ادله مخالفان می‌توان بیان داشت که به نظر بزرگانی چون فخر رازی، به صورت کلی استدلال به این ادله به شدت ضعیف است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۶۲۱). وجه ضعف مضاف بر آنچه فخر رازی توضیح داده، این است: اشکال عمده بر این دلایل، اخص بودن آنها از مدعا است؛ بدین توضیح که وهمی‌انگاران سحر نیاز به ادله‌ای دارند که بتواند هرگونه تأثیری را از سحر نفی کند؛ چرا که در غیر این صورت، مدعای طرفداران حقیقی بودن سحر، و در نتیجه امکان قتل ناشی از آن ثابت می‌شود. اما چنان که گذشت ادله منکران، چنین چیزی را ثابت نمی‌کند. بلکه یک قدم بالاتر، این ادله می‌تواند دلیلی بر اثبات مدعای طرفداران حقیقی بودن سحر باشد؛ به این توضیح که آنها می‌گویند ما ادعا نداریم که ساحر می‌تواند مثل معجزات انبیا تصرفی در مخلوقات

خدا انجام بدهد. اما می‌تواند تصرفاتی هرچند تخیلی در افراد پدید آورد که همین اندازه می‌تواند در مواردی، نتیجه مرگ‌آور را به دنبال داشته باشد. چنان‌که بسیاری از مفسران در توضیح آیه ۱۱۶ سوره اعراف بیان داشته‌اند، ساحران با استفاده از سحر، چشم ناظران و حتی حضرت موسی را مورد تأثیر قرار دادند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۱۵). این تأثیر هرچند حداقلی و تخیلی در اثبات مدعا، کافی به نظر می‌رسد. بنابراین آیاتی که مورد استدلال مخالفان واقع شده است، دلیل بر حقیقت داشتن سحر است تا وهمی بودن آن (القرطبی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۶). بر ادعای منکرینی چون قاضی عبدالجبار این اشکال عمده نیز وارد است که خودشان اعتراف ضمنی بر مؤثر بودن سحر کرده‌اند؛ از جمله جناب قاضی این‌گونه بیان داشته است: «چون سحر در حقیقت سبب هیچ زیانی نمی‌شود، زیرا نوعی حيله است؛ نهایت تأثیری که دارد ترس است که همین در مواردی باعث برخی مرض‌ها می‌شود» (القاضی عبدالجبار، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۱). چنان‌که پیداست، هرچند نوعی تناقض در کلمات جناب قاضی مشهود است، اما به هر حال ایشان منصرف از پذیرش حقیقت سحر، زیان و خوف ناشی از آن را که منجر به امراض و زیان‌هایی بدنی می‌شود، می‌پذیرد که همین در اثبات اموری نظیر قتل که در برخی موارد ناشی از خوف و ترس و برخی امراض کشنده است کافی به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

یکی از ابزارهای مورداستفاده در قتل انسان که تضارب آراء و برداشت‌ها را در پی داشته است، استفاده از سحر و افسون است. نکته کلیدی این اختلاف به امکان و عدم امکان این نوع قتل‌ها، حقیقت داشتن و نداشتن سحر و در نتیجه ثبوت یا عدم ثبوت قصاص برمی‌گردد. اما با توجه به آیات قرآن کریم از جمله آیه ۱۰۲ سوره بقره و ۴ سوره فلق و نیز احادیث صحیحیه به نقل از منابع اهل سنت، و مضاف بر آن، تأثیرگذاری سحر، به عنوان واقعیتهایی که سال‌ها در میان بشر بوده و به عنوان یک علم آموزانده می‌شده و می‌شود، می‌توان امکان قتل ناشی از سحر را پذیرفت؛ اعم از این که بتوان حقیقی بودن سحر را پذیرفت یا صرفاً آن را امر تخیلی و پنداری پنداشت؛ زیرا امکان ایجاد اعمال و

رفتاری، در عالم خارج از طریق تخیل نیز ممکن است؛ مثل ایجاد تخیل غرق شدن، یا مورد حمله قرار گرفتن به وسیله حیوان درنده یا تصور سقوط از ارتفاع؛ چراکه آنچه مهم است اثبات رابطه استناد قتل نسبت به عمل ساحر است که این رابطه با اقرار ساحر یا گواهی افراد خبره نسبت به سحر، قابل اثبات است. از این رو، از آنجا که اصل تأثیرگذاری سحر مستند به ادله نقلی و عقلی اثبات شد، قتل ناشی از سحر قابل پذیرش است؛ چراکه دلیل بر محدود کردن دایره شمول تأثیرگذاری سحر در اموری مثل جدایی بین زن و شوهر و امثال آن نیست.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آلوسی، شهاب‌الدین. (۱۴۱۵ق). روح المعانی (ج ۱). بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲. ابن‌الحاجب، عثمان بن عمر. (۱۴۲۱ق). جامع الأمهات (چاپ دوم). بی‌جا: الیمامة للطباعة والنشر والتوزیع.
۳. ابن‌حزم الأندلسی، أبو محمد علی بن أحمد. (بی‌تا). الفصل فی الملل والأهواء والنحل (ج ۱). القاهرة: مكتبة الخانجي.
۴. ابن‌قدامة المقدسی، أبو محمد موفق‌الدین. (۱۴۱۴ق). الکافی فی فقه الإمام أحمد (ج ۴). بیروت: دارالکتب العلمیة.
۵. ابن‌مفلح، إبراهيم بن محمد. (۱۴۱۸ق). المبدع فی شرح المقنع (ج ۷). بیروت: دارالکتب العلمیة.
۶. ابوالحسین، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقانیس اللغة (ج ۵). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان (ج ۱۳، ۱۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. اردبیلی، عبدالکریم. (۱۴۲۷ق). فقه الحدود والتعزیرات (ج ۱، چاپ دوم). قم: جامعة المفید.
۹. اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار الشامية.
۱۰. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۹ق). فرائد الاصول (ج ۲). قم: مجمع الفكر الاسلامی.
۱۱. بخاری، محمد بن إسماعیل. (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری (ج ۷). بی‌جا: دار طوق النجاة.
۱۲. الجصاص الحنفی، أحمد. (۱۴۰۵ق). أحكام القرآن (ج ۱). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۳. حاجی‌ده‌آبادی، احمد. (۱۳۹۸). قواعد فقه جزایی. قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۶۰

ف

سال سی و یکم، شماره سوم (پیاپی ۱۱۹)، پاییز ۱۴۰۳

١٤. خمینی، سید روح الله. (١٣٩٢) تحریر الوسیله (ج ٢، چاپ سوم). قم: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی علیه السلام.
١٥. خمینی، سید روح الله. (١٤٣٤ق). تحریر الوسیله (ج ٢). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
١٦. خوئی، سید ابوالقاسم. (١٤١٨ق). موسوعة الامام الخوئی (ج ٤١). قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی علیه السلام.
١٧. روحانی قمی، سید صادق حسینی. (١٤١٢ق). فقه الصادق (للروحانی) (ج ١٤). قم: دار الكتاب-مدرسه امام صادق علیه السلام.
١٨. الزاملی عسیری، أحمد بن علی. (١٤٣١ق). منهج الشيخ عبد الرزاق عینی و جهوده فی تقریر العقیده و الرد علی المخالفین (ج ١). المملكة العربية السعودية: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
١٩. زمخشری، محمود. (١٤٠٧ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. (ج ١ و ٢). بیروت: دار الكتاب العربی.
٢٠. سبزواری، سید عبدالاعلی. (١٤١٣ق). مهذب الأحکام (ج ٢٨، چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار.
٢١. سعدی، ابوجیب. (١٤٠٨ق). القاموس الفقہی لغة واصطلاحات (چاپ دوم). دمشق: دار الفکر.
٢٢. سیوطی، جلال الدین. (١٤٠٤ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (ج ٨). بیروت: دارالفکر.
٢٣. الشافعی، محمد بن إدريس. (١٤١٠ق). الام (ج ١). بیروت: دارالمعرفه.
٢٤. الشنقیطی، محمد الأمين. (١٤١٥ق). أضواء البیان فی إيضاح القرآن بالقرآن (ج ٩). بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
٢٥. الشوکانی، محمد بن علی. (١٤١٣ق). نیل الاوطار (ج ٧). مصر: دار الحديث.
٢٦. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (١٤١٣ق). مسالك الأفهام (ج ١٥). قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.

۲۷. شهید ثانی، زین الدین. (۱۴۱۰ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (ج ۳ و ۴). قم: مكتبة الداوری.
۲۸. شیرازی، ناصر مکارم. (۱۴۲۶). أنوار الفقاهة (لمکارم). قم: انتشارات مدرسة الإمام علی.
۲۹. الصابونی، محمد علی. (۱۴۰۰ق). روائع البيان تفسیر آیات الأحكام (ج ۱، چاپ سوم). بیروت: مؤسسة مناهل العرفان.
۳۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۵۴). المبدأ والمعاد. تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
۳۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (بی تا). الحاشية على الهيات الشفاء. قم: انتشارات بیدار.
۳۲. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق). الاحتجاج (ج ۲). مشهد: نشر مرتضی.
۳۳. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البيان في تفسیر القرآن (ج ۱، ۳ و ۹). بیروت: دار المعرفة.
۳۴. طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۷ق). مجمع البحرين (ج ۳، چاپ سوم). تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۳۵. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن. (۱۳۷۸ق). المبسوط في فقه الإمامية (ج ۷ و ۸، چاپ سوم). تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۳۶. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف (ج ۵). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبيان في تفسیر القرآن (ج ۱۰). بیروت: احياء التراث العربي.
۳۸. عواد المعتق، بن عبدالله. (۱۴۲۲ق). حقيقة السحر وحكمه في الكتاب والسنة. مدينة المنورة: الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة.
۳۹. العینی، أبو محمد محمود. (بی تا). عمدة القاری شرح صحيح البخاری (ج ۲۱). بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۴۰. فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). كشف اللثام عن قواعد الاحكام (ج ۱۰). قم: مؤسسة نشر الاسلامی.

٤١. فخر رازی، محمد بن عمر. (١٤٢٠ق). مفاتيح الغيب (ج ٣، چاپ سوم). بيروت: دار احياء التراث العربی.
٤٢. فرات الكوفي، فرات بن ابراهيم. (١٤١٠ق). تفسير فرات الكوفي. تهران: مؤسسة الطبع والنشر في وزارة الإرشاد الإسلامي.
٤٣. فراهیدی، خليل بن احمد. (١٤١٠ق). كتاب العين (ج ٣، چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
٤٤. فيومي، احمد بن محمد مقری. (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی (ج ٢). قم: منشورات دار الرضی.
٤٥. القاضي عبد الجبار، بن أحمد. (بی تا). متشابه القرآن (ج ١). بی جا: مكتبة دار التراث.
٤٦. القرطبي، محمد بن أحمد. (١٣٨٥ق). تفسير القرطبي (ج ٢، چاپ دوم). القاهرة: دار الكتب المصرية.
٤٧. قمي طباطبائي، سيد تقی. (١٤١٣ق). عمدة الطالب في التعلیق على المكاسب (ج ١). قم: كتابفروشی محلاتی.
٤٨. قمي طباطبائي، سيد تقی. (١٤٢٣ق). الدلائل في شرح منتخب المسائل (ج ٤). قم: كتابفروشی محلاتی.
٤٩. كاشاني، حاج آقا رضا مدنی. (١٤١٠ق). كتاب القصاص للفقهاء والخواص (ج ١، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٥٠. لنكرانی، محمد فاضل موحدی. (١٤٢١ق). تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة: القصاص. قم: مركز فقهی ائمه اطهار.
٥١. الماتريدي، ابو منصور محمد. (بی تا). التوحيد. الاسكندرية: دار الجامعات المصرية.
٥٢. الماوردی، علی بن محمد. (١٤١٩ق). الحاوی الكبير (ج ١٣). بيروت: دارالكتب العلمية.
٥٣. مجموعة من المؤلفين. (بی تا). موسوعة الفقه الإسلامي المصرية. مصر: موقع وزارة الأوقاف المصرية.
٥٤. محقق حلّی، جعفر بن حسن. (١٤٠٨ق). شرائع الإسلام (ج ٤، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۵۵. مرادی، حسین. (۱۳۹۶). حقوق جزای اختصاصی: جرایم علیه اشخاص (جنايات). تهران: نشر میزان.
۵۶. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. (۱۴۱۵ق). القصاص علی ضوء القرآن والسنة (ج ۱). قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی.
۵۷. المزنی، إسماعیل بن یحیی. (۱۴۱۰ق). مختصر المزنی (ج ۸). بیروت: دار المعرفة.
۵۸. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۹). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۹. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام (ج ۴۱، ۴۲ و ۴۳، چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶۰. النووی، أبوزکریا محیی‌الدین یحیی بن شرف. (۱۳۹۲ق). شرح النووی علی مسلم (ج ۱۴، چاپ دوم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
61. Garry, Maryanne and Polaschek, Devon L.L. (2000) *Imagination and Memory*. Current Directions in psychological Science. Feb 1.

References

* The Holy Qur'an

1. A group of Authors. (n.d.). *Mawsu'at al-Fiqh al-Islami al-Misriyya*. Egypt: Egyptian Ministry of Endowments Website. [In Arabic]
2. Abu al-Husayn, A. b. F. (1997). *Mu'jam Maqayis al-Lughah* (Vol. 5). Qom: Publications of the Office of Islamic Propagation. [In Persian]
3. Al-'Ayni, A. M. M. (n.d.). *Umdat al-Qari: Sharh Sahih al-Bukhari* (Vol. 21). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
4. Al-Farahidi, K. b. A. (1990). *Kitab al-'Ayn* (Vol. 3, 2nd ed.). Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
5. Al-Fayumi, A. b. M. M. (n.d.). *Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir lil-Rafi'i* (Vol. 2). Qom: Dar al-Ridha Publications.
6. Al-Jassas al-Hanafi, A. (1984). *Ahkam al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
7. Al-Maturidi, A. M. M. (n.d.). *Al-Tawhid*. Alexandria: Dar al-Jami'at al-Misriyya.
8. Al-Mawardi, A. b. M. (1998). *Al-Hawi al-Kabir* (Vol. 13). Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
9. Al-Muzani, I. b. Y. (1989). *Mukhtasar al-Muzani* (Vol. 8). Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
10. Al-Nawawi, A. M. Y. b. S. (1972). *Sharh al-Nawawi 'ala Muslim* (Vol. 14, 2nd ed.). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
11. Al-Qazi Abd al-Jabbar, A. (n.d.). *Mutashabih al-Qur'an* (Vol. 1). Dar al-Turath Library.
12. Al-Qurtubi, M. b. A. (1965). *Tafsir al-Qurtubi* (Vol. 2, 2nd ed.). Cairo: Dar al-Kutub al-Misriyya. [In Arabic]
13. Al-Sabuni, M. A. (1980). *Rawai' al-Bayan: Tafsir Ayat al-Ahkam* (Vol. 1, 3rd ed.). Beirut: Manaahil al-Irfan Institute. [In Arabic]
14. Al-Shafi'i, M. b. I. (1990). *Al-Umm* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]

15. Al-Shahid Thani, Z. (1990). *Al-Rawda al-Bahiyya fi Sharh al-Lum'a al-Dimashqiyya* (Vols. 3 & 4). Qom: Maktabah Al-Dawari. [In Arabic]
16. Al-Shahid Thani, Z. b. A. (1992). *Masalik al-Afham* (Vol. 15). Qom: Al-Ma'arif Islamic Institute. [In Arabic]
17. Al-Shanqiti, M. A. (1995). *Adwa' al-Bayan fi Iyдах al-Qur'an bi-al-Qur'an* (Vol. 9). Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing, and Distribution. [In Arabic]
18. Al-Shawkani, M. b. A. (1992). *Nayl al-Awtar* (Vol. 7). Egypt: Dar al-Hadith. [In Arabic]
19. Al-Tabari, A. J. M. b. J. (1992). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vols. 1, 3, & 9). Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
20. Al-Tarihi, F. (1996). *Majma' al-Bahrayn* (Vol. 3, 3rd ed.). Tehran: Mortazavi Bookstore. [In Arabic]
21. Al-Tusi, A. J. M. b. H. (1958). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah* (Vols. 7 & 8, 3rd ed.). Tehran: Al-Maktaba Al-Murtadhawiyyah le Ihya al-Athar al-Jafariya. [In Arabic]
22. Al-Tusi, A. J. M. b. H. (1987). *Al-Khilaf* (Vol. 5). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
23. Al-Tusi, M. b. H. (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 10). Beirut: Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
24. Alusi, S. (1995). *Ruh al-Ma'ani* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
25. Al-Zamili Asiri, A. b. A. (2010). *The methodology of Shaykh Abd al-Razzaq Afifi and his efforts in establishing doctrine and responding to opponents* (Vol. 1). Saudi Arabia: Imam Muhammad ibn Saud Islamic University. [In Arabic]
26. Ansari, M. (1998). *Fara'id al-Usul* (Vol. 2). Qom: Islamic Thought Society. [In Persian]
27. Ardebili, A. b. M. (1986). *Majma' al-Faydah wa al-Burhan fi Sharh Irshad al-Azhān* (Vol. 13 & 14). Qom: Office of Islamic Publications. [In Persian]

28. Ardebili, A. K. (2006). *Fiqh al-Hudud wa al-Ta'azirat* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Al-Mufid University. [In Persian]
29. Awad al-Mutaiq, A. (2001). *Haqiqah al-Sihr va Hikmah fi al-Kitab va al-Sunnah*. Medina: Islamic University of Madinah. [In Arabic]
30. Bukhari, M. b. I. (2001). *Sahih al-Bukhari* (Vol. 7). Bijā: Dar Tawq al-Najāt. [In Arabic]
31. Fadil Hindi, M. b. H. (1995). *Kashf al-Litham an Qawa'id al-Ahkam* (Vol. 10). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
32. Fakhr Razi, M. b. U. (1999). *Mafatih al-Ghayb* (Vol. 3, 3rd ed.). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
33. Furat al-Kufi, F. b. I. (1990). *Tafsir Furat al-Kufi*. Tehran: Ministry of Islamic Guidance Printing and Publishing Institute. [In Arabic]
34. Garry, M., & Polaschek, D. L. L. (2000). Imagination and memory. *Current Directions in Psychological Science*, 9(1), 6-10. <https://doi.org/10.1111/1467-8721.00002>
35. Haji-Deh Abadi, A. (1979). *Legal Fiqh Principles*. Qom: Research Institute of the Seminary and University. [In Persian]
36. Ibn al-Hajab, O. b. O. (2000). *Jami' al-Ummahat* (2nd ed.). Al-Yamama Press. [In Arabic]
37. Ibn Hazm al-Andalusi, A. b. A. (n.d.). *Al-Fasl fi al-Milal wa al-Ahwa' wa al-Nahl* (Vol. 1). Cairo: Maktabat al-Khanji. [In Arabic]
38. Ibn Muflih, I. b. M. (1993). *Al-Mubdi' fi Sharh al-Muqni'* (Vol. 7). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
39. Ibn Qudama al-Moghadasi, A. b. M. (1414 AH). *Al-Kafi fi Fiqh Imam Ahmad* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
40. Isfahani, H. (1993). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Shamiya. [In Arabic]
41. Kashani, H. A. R. M. (1989). *Kitab al-Qisas lil-Fuqaha' wa-al-Khawas* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]

42. Khoei, S. A. (1997). *Mawsu'at al-Imam al-Khoei* (Vol. 41). Qom: Institute for Reviving the Works of Imam Khoei. [In Persian]
43. Khomeini, S. R. H. (2013). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 2, 3rd ed.). Qom: Institute for the Publication and Organization of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
44. Khomeini, S. R. H. (2015). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 2). Tehran: Institute for the Publication and Organization of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
45. Lankarani, M. F. M. (2000). *Tafsil al-Shari'ah fi Sharh Tahrir al-Wasilah: Al-Qisas*. Qom: Ahl al-Bayt Jurisprudential Center. [In Arabic]
46. Mar'ashi Najafi, S. S. (1994). *Al-Qisas 'ala Dawi' al-Qur'an wa-al-Sunnah* (Vol. 1). Qom: Ayatollah Mar'ashi Library Publications. [In Arabic]
47. Moradi, H. (2017). *Exclusive Criminal Law: Crimes Against Persons (Homicide and Bodily Harm)*. Tehran: Mizan Publications. [In Persian]
48. Mostafavi, H. (1989). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim* (Vol. 9). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
49. Muhaqqiq Hilli, J. b. H. (1987). *Sharayi' al-Islam* (Vol. 4, 2nd ed.). Qom: Isma'iliyan Institute. [In Arabic]
50. Najafi, M. H. (1984). *Jawahir al-Kalam* (Vols. 41, 42, & 43, 7th ed.). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
51. Qummi Tabatabai, S. T. (1992). *Umdat al-Matalib fi al-Ta'liq ala al-Makasib* (Vol. 1). Qom: Mahallati Bookstore. [In Persian]
52. Qummi Tabatabai, S. T. (2002). *Al-Dalail fi Sharh Mukhtasar al-Masa'il* (Vol. 4). Qom: Mahallati Bookstore. [In Persian]
53. Ruhani Qummi, S. S. H. (1993). *Fiqh al-Sadiq* (Vol. 14). Qom: Dar al-Kitab-Imam Sadiq. School. [In Persian]
54. Saadi, A. (1988). *AL-Qamous al-Fiqhi li al-Lugha va Istilahat* (2nd ed.). Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]
55. Sabzewari, S. A. (1992). *Muhadhdhab al-Ahkam* (Vol. 28, 4th ed.). Qom: Al-Manar Institute. [In Persian]

56. Sadr al-Din Shirazi, M. b. I. (1975). *Al-Mabda' wa-al-Ma'ad*. Tehran: Academy of Philosophy and Wisdom. [In Persian]
57. Sadr al-Din Shirazi, M. b. I. (n.d.). *Al-Hashiya ala al-Ilahiyyat al-Shifa'*. Qom: Bidar Publications. [In Persian]
58. Shirazi, N. M. (2005). *Anwar al-Fiqhah (Lamakarim)*. Qom: Imam Ali School Publications. [In Persian]
59. Suyuti, J. (1984). *Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bi-al-Ma'thur* (Vol. 8). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
60. Tabarsi, A. b. A. (1983). *Al-Ihtijaj* (Vol. 2). Mashhad: Murtadha Publications. [In Arabic]
61. Zamakhshari, M. (1987). *Al-Kashshaf an Haqa'iq Qavamiz al-Tanzil* (Vols. 1 & 4). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]